

عدالت اقتصادی و راهبردهای مبتنی بر مفهوم

علی فتحانی*

با توجه به اهمیت درک مفهوم عدالت قبل از پرداختن به راهکارها و سیاستهای اجرایی برای برقراری آن، در این مقاله در یک مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای به بررسی مفاهیم ارائه شده برای عدالت اقتصادی، ابعاد و انواع آن، مرور مختصر دیدگاههای صاحب‌نظران اسلامی و غربی در این مورد و نیز معیارها و شاخصهای عدالت، ابزارها، راهکارها و سیاستهای اجرایی کردن عدالت اقتصادی و همچنین افزایش کارایی و رفاه به عنوان پیامدهای عدالت اقتصادی می‌پردازیم.

واژه‌های کلیدی: عدالت اقتصادی، شاخصهای عدالت اقتصادی، راهکارهای اجرایی عدالت اقتصادی، کارایی، رفاه، تحقق عدالت اقتصادی.

۱. مقدمه

کارشناسان اقتصادی تا دهه ۱۹۷۰ میلادی، توسعه را معادل رشد اقتصادی در نظر می‌گرفتند و توسعه‌یافتگی را با رشد بالاتر اقتصادی می‌سنجیدند و حتی نابرابری را شرط لازم برای رشد اقتصادی می‌شمردند. امروزه بسیاری از اقتصاددانان توسعه مانند گونار میردال^۱، مایکل تودارو^۲ و آمارتیا سن^۳ توزیع نابرابر درآمد را مانع رشد و توسعه اقتصادی می‌دانند. لذا ضرورت ایجاب می‌کند در برنامه‌های توسعه همانند بسیاری از اهداف برنامه شاخصهای عددی برای کاهش شکاف درآمدی و نزدیک شدن به شرایط عدالت اقتصادی و توزیع عادلانه‌تر درآمد منظور شود و در پایان هر سال برنامه، میزان کاهش شکاف درآمد بررسی و برای رسیدن به آن برنامه‌ریزی شود.

* معاون اقتصادی سازمان امور اقتصادی و دارایی استان خراسان رضوی

1. Gunnar Myrdal
2. Michael P. Todaro
3. Amartya Kumar Sen

۲. عدالت اقتصادی و دیدگاه‌های صاحب نظران اسلامی

ادیان الهی نیز توجهی در خور به عدالت اقتصادی داشته‌اند. قرآن مجید، آخرین کتاب آسمانی، هدف از ارسال پیامبران را برپایی قسط و عدل دانسته و به انسانها سفارش می‌کند که در همه حال، قائم به قسط باشند. اسلام برای عدالت جایگاه خاصی قائل است تا جایی که عدالت به عنوان یکی از اصول دین و صفت ویژه الهی مورد توجه قرار می‌گیرد.

عدالت اقتصادی به منظور از بین بردن فقر مطلق و ایجاد توازن و تعادل نسبی بین اقشار جامعه برقرار می‌گردد. در جامعه‌ای که عدالت اقتصادی برقرار نباشد رابطه محسوسی میان تلاش افراد و میزان درآمد و رفاه وجود نخواهد داشت و گروهی با دسترسی به موقعیتهای مناسب و بهره‌مندی از امتیازات انحصاری، بخش قابل توجهی از منابع را به خود اختصاص خواهند داد و به این ترتیب فاصله بین اقشار جامعه با شتاب روز افزونی بیشتر خواهد شد. اما وقتی عدالت اقتصادی برقرار باشد عامل عمده تعیین‌کننده درآمد و رفاه، تلاش صادقانه و مجدانه افراد خواهد بود و موقعیتهای فرصتهای یکسان در اختیار همه قرار خواهد گرفت تا افراد بر حسب میزان تلاش و پشتکار خود، درآمد و رفاه داشته باشند و تفاوت ناشی از آن، نامقبول نخواهد بود.

واژه عدل در اسلام در پنج معنا مورد استفاده قرار گرفته است:

- موزون بودن به این معنا که جهان موزون و متعادل است زیرا در غیر این صورت پا بر جانی ماند و نظم و حساب و جریان مشخصی در کار نبود.

- رعایت تساوی و نفی هر گونه تبعیض یعنی رعایت تساوی در زمینه لیاقتها و استحقاقها. چنین مساواتی از لوازم عدل است.

- رعایت حقوق افراد و دادن حق به حقدار. در این چارچوب ظلم عبارت از رعایت نکردن حقوق افراد است.

- عدل به معنای رعایت استحقاقها در افاضه وجود و امتناع نکردن از افاضه و رحمت به آنچه امکان وجود دارد.

- امام علی (ع) نیز تعریفی از عدالت ارائه فرموده‌اند و آن را قرار دادن هر چیز در جای خود دانسته‌اند. شاید بهترین معنا که از نظر لغوی نیز تناسب دارد این تعریف باشد. راغب اصفهانی در مفردات، ظلم را که نقطه مقابل عدل است، قرار دادن چیزی در غیر جای خود معنا می‌کند.

با تأملی اندک ملاحظه می‌شود که میان معانی عدل نوعی قرابت به چشم می‌خورد و همگی در پی هم در یک مجموعه ارزشی قرار می‌گیرند اما هر کدام بر زمینه و موارد خاصی تأکید می‌ورزند و گاه میان آنها رابطه لازم و ملزوم برقرار است چنان که در اینجا معنای پنجم، معانی دوم و سوم را نیز در بر می‌گیرد.^۱

۱. بهرام اخوان کاظمی (۱۳۸۱)

ترجمه لغت عربی عدالت به فارسی «دادگری» و در فرانسه و انگلیسی «Justice» و در لاتین «iustitia» است.^۱ در آیات بسیاری از قرآن کریم واژه عدل به عنوان یکی از ارزشهای اسلام مورد تأکید قرار گرفته است. امام صادق (ع) نیز می‌فرماید اگر در میان مردم به عدالت رفتار شود همه بی‌نیاز می‌شوند. عدالت در اندیشه علمای مسلمان نیز جایگاه مهمی دارد. متکلمان و فلاسفه اسلامی در بحث عدل الهی بیشتر به رعایت استحقاقها و «وضع شیء فی موضعه» نظر داشته‌اند.

در دوران حاضر روشنفکرانی چون سید قطب با استفاده از ظرفیتهای موجود در منابع دینی، عدالت اجتماعی را یکی از بنیادهای دین برشمرده‌اند.^۲ به عقیده سید قطب، «در نظر اسلام عدالت عبارت از مساوات عام انسانی است که تعادل همه ارزشها از جمله ارزش اقتصادی را در نظر دارد و این مساوات به طور دقیق با همه شرایط و مقتضیات سازش دارد.» بنابراین، عدالت پیش از هر چیز یک عدالت انسانی عام است نه یک عدالت اقتصادی محدود و در این صورت است که شامل تمام مظاهر زندگی و همه جوانب فعالیت در آن می‌شود.^۳ به عقیده دکتر شریعتی، «عدالت به معنای برابری طبقاتی، نفی استثمار فرد از فرد و طبقه از طبقه، نفی تضاد و تبعیض اقتصادی، حقوقی و اجتماعی و... نیاز بزرگ کشورهای اسلامی در دنیا و جهان سوم است» و در جای دیگری گفته است «عدالت عبارت است از تکیه بر اصل برابری طبقاتی و برابری حقوق انسانی بر اساس نظامی که زیربنایش توحید و روینایش عدل جهانی است.» بنابر تعریف استاد مطهری، عدالت یعنی اینکه هر صاحب حقی به تمام حقوق خود دست یابد. از نظر استاد چهار مورد کاربرد عدل به این شرح است: موزون بودن، تساوی و نفی هرگونه تبعیض، رعایت استحقاقها در افاضه وجود و رعایت حقوق افراد و معنی حقیقی عدالت نیز همین معنی اخیر است که بر دو چیز متکی است: حقوق و اولویتها و دیگر خصوصیات ذاتی بشر.^۴ عدالت از نظر فارابی، توزیع اصولی نیازهای اساسی مردم است و حکومت وسیله‌ای برای تحقق عدالت در نظر گرفته می‌شود. در عین حال فارابی و نیز خواجه نصیر طوسی عدالت را فضیلت برتر انسانی نیز تلقی می‌کنند.^۵

در اندیشه سیاسی غرب نیز با دیدگاههای گوناگونی مواجه‌ایم. عدالت به عقیده هیوم^۶، پیروی از رسوم جامعه و امری اجتماعی است.^۷ او فایده همگانی را فقط آغاز راه عدل می‌داند و عدالت خواهی را تا مرز فایده‌گرایی محض پایین می‌آورد زیرا اصحاب اصالت فایده، عدالت را در

۱. بهرام اخوان کاظمی (۱۳۸۱)

۲. سید صادق حقیقت (۱۳۸۱)

۳. پدا.. دادگر (۱۳۷۸)

۴. عسگر دیرباز (۱۳۸۰)

۵. حسن سبحانی (۱۳۸۰)

۷. حسن سبحانی (۱۳۸۰)

چیزی جستجو می‌کردند که به نظرشان خیر و صلاح عامه را پیش می‌برد. به عبارت دیگر، شادی، محک عدالت است.^۱ کانت^۲ از سرسخت‌ترین منتقدان فایده‌گرایی است و این امر را با حرمت و کرامت ذاتی انسان مغایر می‌داند. سنت کانتی عدالت را با انصاف و بی‌طرفی مرتبط می‌کند و عدالت را آن می‌داند که اعمال هر کس، طبق اصلی تعیین شده باشد که خود او می‌خواهد برای تمام انسانها الزام‌آور باشد، یا اینکه عدالت را حفظ کرامت انسان می‌داند.^۳ هگل^۴ عدالت را در کنار آزادی معنا می‌کند و در جایی مبنای عدالت را قدرت می‌داند و لذا در تعریف عدالت می‌گوید: هر آنچه دولت بگوید و پسندد عین حق و عدالت است. از دیدگاه السن^۵ عدالت به معنای قانونیت است. گورویچ^۶ در تعریف عدالت می‌گوید: عدالت آشتی یا مصالحه آثار تمدنی است که قبلاً در حال تعارض و کشاکش بوده‌اند. البته این مصالحه تغییر ناپذیر است و در هر دوره عبارت است از برقراری تعادلی تازه به نفع آن دسته از منافع که باید بیش از همه مورد توجه و عنایت و احترام قرار گیرد.^۷

پرفسور رالز^۸ عقیده دارد که توزیع عادلانه زمانی مؤثر است که رفاه محروم‌ترین قشر جامعه به حداکثر میزان خود نایل آید. پرفسور نوزیک^۹ عقیده دارد که اگر شیوه‌های توزیع عادلانه طرح شود پس از آن در یک اقتصاد رقابتی هر چه به افراد برسد عادلانه است (نوعی استحقاق‌گرایی). مک اینتایر^{۱۰} عدالت را به صورت فضیلت اخلاقی مورد بازنگری قرار می‌دهد. جان رالز معتقد است که عدالت «ساختار بنیانی جامعه» و نخستین فضیلت نهادهای اجتماعی است. او عدالت به معنای انصاف را مطرح می‌کند که مبتنی بر دو اصل است. اصل اول تصدیق حق مساوی همه کس برای برخورداری از آزادی‌های اساسی مثل آزادیهای سیاسی، آزادی بیان و وجدان و حفظ حیثیت انسانی است و اصل دوم عبارت است از این که نابرابری‌های اجتماعی به شرطی که برای مصالح همگان سازمان یافته باشند، موجه و پذیرفتنی‌اند. نویسنده کتاب *عدالت، حقوق و دولت* در مورد عدالت می‌گوید: «اختلافی عمده درباره مفهوم عدالت وجود دارد. عدالت گاهی مترادف با حقوق و گاهی متمایز و عالی‌تر و مشرف بر آن است. در اصل، تحقق عدالت، عالی‌ترین وظیفه فلسفه حقوق است.» به عقیده او عدالت در معنای خاص عبارت از هماهنگی و تناسب میان موجودات

۱. بهرام اخوان کاظمی (۱۳۸۱)

2. Immanuel Kant

۳. بهرام اخوان کاظمی (۱۳۸۱)

4. Georg Wilhelm Friedrich Hegel

5. Olson

6. Peter Gourevitch

۷. حسین عیوضلو (۱۳۸۰)

8. John Rawls

9. Robert Nozick

10. Alasdair Mac Intyre

عدالت اقتصادی و راهبردهای مبتنی بر مفهوم ۶۱

عینی است و در دنیای شرق به‌ویژه آن جایی که مفهوم یکتا پرستانه و اخلاقی از عالم، منظور است سعی بر این بوده که تناسب قطعی و هماهنگی ذاتی اراده الهی نشان داده شود. پرلمان^۱ معتقد است که چند معنایی بودن عدالت باعث کاربرد متنوع و مختلط آن شده است. بنابراین برشمردن همه معانی آن وهمی بیش نیست. وی چند معنای آشتی‌ناپذیر این مفهوم را به شرح زیر نام می‌برد:

- به هر کس چیزی یکسان تعلق گیرد.
 - به هر کس متناسب با شایستگی‌اش چیزی داده شود.
 - به هر کس متناسب با کاربرد و تولیداتش چیزی اختصاص یابد.
 - به هر کس متناسب با نیازهایش چیزی تعلق گیرد.
 - به هر کس متناسب با رده و طبقه‌اش چیزی اعطا شود.
 - به هر کس متناسب با آنچه قانون برای وی در نظر گرفته است چیزی اختصاص یابد.
- پرلمان همه معانی فوق را نقد کرده و اشکالاتی را بر آنها وارد می‌کند.

بریان متفکر معاصر، بر این باور است که امروزه مفهوم عدالت به صورت تحلیلی به «استحقاق» و «نیاز» معنی شده است، به طوری که می‌توان گفت بخشی از آنچه را که هیوم قواعد عدالت می‌نامید ناعادلانه بوده است. نظر کلی آنتونی کونینتن^۲ نیز درباره عدالت و مفهوم آن شایان توجه است. او دو نظریه بنیانی و عمومی در این باره دارد که یکی سلبی و یکی ایجابی است. نظریه سلبی عدالت این است که دولت نباید میان شهروندان تبعیض قائل شود، مگر آنکه آنان تفاوتی داشته باشند. اما بنا بر نظریه ایجابی عدالت، دولت باید بکوشد نابرابریهای طبیعی و امتیازهای شهروندان را از میان بردارد یا آنها را جبران کند.

در اندیشه افلاطون عدالت در اصل، ویژگی فردی است که در جامعه انعکاس می‌یابد. عدالت آن است که پاسداران و توده مردم بر جای خود قرار گیرند و حکیمان بر آنان حکومت کنند و هر کس به کار و وظیفه خویش مشغول باشد و از آن تخطی نکنند. ارسطو عدالت را اعطای حق به سزاواران می‌داند. در تعریف عدالت از دید او می‌توان گفت عدالت فضیلتی است که به موجب آن باید به هر کس آنچه را داد که حق اوست. فضیلت هر چیز در حد وسط است که حدی طبیعی است و طبیعت، خود، نابرابر تلقی می‌شود و عدالت دنباله همین نابرابریهاست.

سیسرون در تعریف عدالت می‌نویسد: باید به هر کس آنچه را داد که سزاوار است، مشروط بر آنکه به منافع عمومی زیان نرسد. بر طبق نظریه قراردادی بودن عدالت که از نظریه قرارداد اجتماعی متفکرانی همچون هابز^۳، روسو^۴ و جان لاک^۵ گرفته شده، افراد توافق می‌کنند که منافع خود را

1. Mark Perlman
2. Anthony Quinton
3. Thomas Hobbes
4. Jean Jacques Rousseau
5. John Locke

چگونه پیگیری نمایند. وقتی همگان بر اساس توافق، منافع خود را پیگیری کردند عمل آنان عادلانه خواهد بود. از نظر عملکردی، عدالت مجموعه‌ای از اصول همگانی است که هدایتگر مردم در فهم درست و نادرست است و اهمیتی ندارد که آنها در چه جامعه‌ای و با چه فرهنگی زندگی می‌کنند. عدالت یکی از چهار اصل اساسی فلسفه اخلاقی کلاسیک‌هاست که با شجاعت، میانه‌روی و کفایت همراه است.

۳. مفهوم عدالت اقتصادی، ابعاد و انواع آن

عدالت اقتصادی مصداقی از عدالت در معنای وسیع آن است. امروزه برای عدالت اقتصادی گاهی از واژه عدالت اجتماعی نیز استفاده می‌شود. عدالت اقتصادی که علاوه بر اجتماع، شخص را نیز متأثر می‌کند در برگیرنده آن اصول اخلاقی است که هدایتگر ما در طرح‌های اقتصادی است. این طرح‌ها تعیین می‌کنند که چگونه هر فردی برای زندگی کسب معاش کند، قرارداد ببندد، کالاها و خدمات را با دیگران مبادله کند و یا به گونه‌ای بنیان مناسبی را برای معاش اقتصادی بنا کند. هدف نهایی عدالت اقتصادی این است که به هر شخصی اختیار دهد که به‌طور خلاقانه در کارهای نامعینی ماورای اقتصاد یعنی کارهای ذهنی و روحی به کار گماشته شود.^۱

امروزه عدالت اقتصادی با مفهوم توزیع درآمد گره خورده است. زیرا مهمترین راه تأمین و مراعات حقوق اقتصادی، توزیع درآمد است. توزیع بر دو قسم است: توزیع قبل از تولید و توزیع بعد از تولید. توزیع بعد از تولید خود به دو صورت است: توزیع درآمد به تناسب عوامل تولید که در این صورت درآمد میان کار و سرمایه و زمین به شکل دستمزد، سود و اجاره تقسیم می‌شود و دوم توزیع درآمد شخصی یا توزیع درآمد میان افراد جامعه بدون توجه به چگونگی دریافت سهم از درآمد کل است. این توزیع معطوف به رفاه افراد است و از این نظر خانواری که درآمد پایینی دارد فقیر است و کسی که درآمد شخصی بالایی دارد غنی است.^۲

عدالت اقتصادی از دیدگاه شهید صدر، از دو بعد توازن اجتماعی و تکافل اجتماعی قابل بررسی است. توازن اجتماعی به این معناست که دولت اسلامی با وضع مقررات قانونی و با ازدیاد ثروت عمومی و بی نیاز کردن تک تک افراد جامعه شرایطی را فراهم نماید که در آن تمامی افراد بتوانند از امکانات و موقعیتهای سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، بهداشتی و آموزشی موجود به صورت مساوی برخوردار شوند. در حوزه حیات اقتصادی توازن اجتماعی بین افراد انسانی، برابری از حیث سطح زندگی اجتماعی است و نه از حیث چگونگی کسب درآمد اقتصادی. مقصود از برابری سطح زندگی این است که سرمایه به اندازه‌ای در دسترس افراد باشد که بتوانند متناسب با مقتضیات روز،

۱. علی محسنی (۱۳۷۶)

۲. علیرضا مرامی (۱۳۷۸)

از مزایای زندگی برخوردار شوند. البته در درون هر سطح، درجات مختلفی به چشم خواهد خورد اما این تفاوت درجه است نه تفاوت اصولی در سطح. اما از بعد تکافل اجتماعی که گاه از آن به عنوان همیاری عمومی نیز یاد کرده‌اند، در واقع به مسئولیت اجتماعی هر مسلمان در برخورد با مشکلات موجود در جامعه اشاره می‌شود.^۱

اگر بپذیریم که مراعات حقوق موجب عدالت است، مراعات حقوق اقتصادی که نیازمند توزیع درآمد و رفع فقر و کم شدن فاصله اقتصادی بین اقشار و تحت پوشش قرار دادن اقشار آسیب‌پذیر توسط دولت اسلامی است، متضمن برقراری عدالت اقتصادی خواهد بود.^۲

از آنجا که خود عدالت یک سیستم است، لذا نظیر هر سیستم دیگری در برگیرنده نهاد^۳ (داده)، بازده^۴ (محصول)، و بازخور^۵ (بازیافت) است که توازن و تعادل میان نهاد و بازده را برقرار می‌کند. در درون سیستم عدالت اقتصادی همانطور که توسط لوئیس کلسو^۶ و مورتیمر آدلر^۷ گفته شد سه اصل اساسی و وابسته وجود دارد: اصل مشارکت^۸، اصل توزیع^۹ و اصل توازن^{۱۰}. اگر هر یک از این سه اصل که همچون پایه‌های یک صندلی سه پایه هستند، سست شده یا از بین برود، سیستم عدالت اقتصادی فرو خواهد ریخت.

۱-۳. سه اصل نظریه عدالت اقتصادی آدلر - کلسو

همان‌طور که در قسمت قبل اشاره شد سه اصل مطرح در نظریه آدلر - کلسو عبارت از اصل مشارکت، اصل توزیع و اصل توازن است. در این بخش، توضیح تفصیلی این اصول ارائه می‌شود. اصل مشارکت: این اصل نشان‌دهنده این است که چطور یک فرد نهاد را با توجه به مراحل اقتصادی به وجود می‌آورد تا کسب معاش کند. این اصل نیازمند فرصتهای برابر در دستیابی به مالکیت خصوصی داراییهای مولد^{۱۱} و نیز فرصتهای برابر به منظور استخدام شدن در کارهای مولد یا تولیدی است.

اصل مشارکت تضمین‌کننده نتایج برابر نیست اما لازم است که حقوق انسانی هر شخص به وسیله نهادهای اجتماعی تضمین شود تا اینکه هر فرد بتواند هم به واسطه یک کار فردی (به عنوان

۱. عسگر دیرباز (۱۳۸۰)

۲. علیرضا مرادی (۱۳۷۸)

3. Input
4. Output
5. Feedback
6. Louis Kelso
7. Mortimer Adler
8. Participation
9. Distribution
10. Harmony
11. Productive

یک کارگر) و هم به واسطه سرمایه تولیدی (به عنوان یک مالک)، مشارکتی مؤثر در اقتصاد داشته باشد. انحصارهای اقتصادی، مزایای خاص و دیگر انحصارهای اجتماعی با هدف به خود متکی کردن اقتصاد^۱ با توجه به این اصل پذیرفته نمی‌شود.

اصل توزیع، بیانگر قوانین توزیع بازده یا ستانده خروجی یک سیستم اقتصادی است که مطابق با عملکرد هر یک از نهاده‌های سرمایه و نیروی کار است.

اصل عدالت توزیعی، حرمت مالکیت و عقود را در بر می‌گیرد و به بازار آزاد و باز به عنوان عینی‌ترین و دمکراتیک‌ترین ابزارهای تعیین قیمت عادلانه، دستمزد عادلانه و سود عادلانه بر می‌گردد نه دولت. بسیاری از افراد، اصول توزیعی عدالت را با اصول صدقه (خیرات) اشتباه می‌کنند. صدقه^۲ بیانگر مفهوم «به هر فرد مطابق با نیازهایش داده شود» است در حالی که «عدالت توزیعی» بر این تصور پایه‌گذاری شده است که «به هر کس مطابق با سمتش داده شود». عدم تفکیک این اصول از هم و استفاده یکی در جای دیگری به تضاد منتهی می‌شود و در نتیجه دولت‌ها مجبور به مداخله افراطی خواهند شد تا نظم اجتماعی را حفظ نمایند.

عدالت توزیعی دنباله‌رو عدالت مشارکتی است و زمانی فرو خواهد ریخت که به اشخاص فرصتهای برابر برای به‌دست آوردن و لذت بردن از فواید مالکیت تولیدی-درآمدی^۳ داده نمی‌شود. اصل توازن یا هماهنگی، اصول تعادلی را در بر می‌گیرد و باید انحرافهای را کشف کرده و هر تصحیحی را که برای بازگرداندن نظم اقتصادی متعادل و عادلانه لازم است ایجاد کند. این اصول به‌وسیله حصارهای غیر عادلانه برای مشارکت یا به‌وسیله انحصارها و یا توسط برخی افراد که داراییهای خود را برای صدمه زدن یا استثمار دیگران به کار می‌برند، مختل می‌شود.

توازن اقتصادی در فرهنگ لغت آکسفورد این گونه تعریف می‌شود: «قوانین تعدیل اجتماعی منافع یک شخص یا گروهی از افراد در شرایط آزاد و بدون محدودیت است که در نتیجه آن، سود افراد دیگر و اجتماع نیز حداکثر خواهد شد».

این اصل راهکارهایی را برای کنترل انحصار، ایجاد تعادل میان مؤسسه‌ها اجتماعی و همگام‌سازی دوباره توزیع بازده با توجه به میزان مشارکت نهاده پیشنهاد می‌کند. به عبارت دیگر مطابق با قوانین، «اصل توازن» از سویی بازتاب‌کننده خواسته^۴ بشر برای دیگر ارزشهای مطلق همچون صداقت، دوست داشتن و زیبایی است.

-
1. Economic Self-Reliance
 2. Charity
 3. Income-Production
 4. Quest

۶۵ عدالت اقتصادی و راهبردهای مبتنی بر مفهوم

قابل توجه است که کلسو و آدلر اصول سه گانه را به اصول محدودسازی^۱ و به عنوان سدی در برابر تمایل انسان به سمت طمع و انحصار که به محروم سازی و استثمار دیگران منتهی می شود نسبت داده اند.

با مسلم بودن مشارکتهای بالقوه ذاتی از باب عدالت اقتصادی در جهان مدرن (با تکنولوژی پیشرفته کنونی) احساس می شود که مفهوم «توازن» نسبت به، اصطلاح «محدود سازی» مناسب تر است و توصیف مؤلفه سوم عدالت اقتصادی را بیشتر شامل می شود. از این گذشته توازن با این امر واضح که جامعه ای که به دنبال صلح و آرامش است ابتدا باید در جهت عدالت عمل کند، سازگاری بیشتری دارد.^۲

۴. ابعاد و انواع عدالت اقتصادی

ارسطو در آثار خویش دو نوع عدالت را مطرح کرد: عدالت توزیعی و عدالت تعویضی. عدالت توزیعی گویای چگونگی توزیع منابع و مواهب میان اعضای جامعه است و عدالت تعویضی ناظر بر چگونگی داد و ستد میان دو طرف معامله است. از دیدگاه ارسطو عدالت توزیعی در صورتی تحقق می یابد که سهم هر یک از اعضای جامعه بر حسب منزلت و شایستگی های او معین شود. عدالت تعویضی نیز به برابر بودن آنچه داده می شود با آنچه ستانده می شود، مشروط است.^۳

دکتر حسن سبحانی در کتاب *دغدغه ها و چشم اندازهای اقتصاد اسلامی برای عدالت، ابعاد مختلفی از جمله بعد مطلق (دادن هر حقی به ذی حق)، بعد اجتماعی (رعایت مساوات در جعل قانون و در اجرای آن) و بعد اقتصادی را معرفی می نماید.*^۴ در جایی دیگر نیز عدالت سیاسی، عدالت قضایی و عدالت فرهنگی را به عنوان ابعاد عدالت ذکر کرده است.^۵

یکی از ویژگیهای اندیشه شهید مطهری در مورد عدالت، دقت وی در تقسیم بندی اقسام و سطوح مختلف عدالت از نظر کلامی، فردی، اجتماعی، تکوینی، الهی، تشریحی و انسانی است. او در این مورد نوشته است: «اصل عدل در فرهنگ اسلامی به عدل الهی و عدل انسانی تقسیم می شود. عدل الهی به عدل تکوینی و عدل تشریحی، و عدل انسانی نیز به توبه خود به عدل فردی و عدل اجتماعی تقسیم می شود. به نظر وی عدالت فردی زیربنای عدالت اجتماعی و عدل الهی است و

1. Principle of Limitation

۲. سایت www.Cesj.org، برای تشریح بیشتر این مطالب به فصل ۱۵ از *بیانیه سرمایه دار، کیسو و آدلر (Louis Keiso)* و

(Mortimer Adler) و فصلهای سوم و چهارم *قصر جهان در حال رکود، نقش نوین دارایی، جان میلر و عدالت اجتماعی*

مراجعه کنید.

۳. سید صادق حقیقت (۱۳۸۱)

۴. سید جمال الدین موسوی (۱۳۸۰)

۵. علیرضا مرآمی (۱۳۷۸)

ایمان نیز پایه عدالت فردی است.^۱ اگر عدالت به معنای قرارداد هر چیز در جای خود باشد آنگاه عدالت به این معنا شامل اقسام عدالت از جمله عدالت در قانون‌گذاری، عدالت در حکم و قضاوت، عدالت در جزا و پاداش و کیفر و در نهایت عدالت در اعطاء و انعام می‌شود.^۲

۵. معیارهای عدالت اقتصادی

همانطور که قبلاً اشاره شد عدالت اقتصادی با مفهوم توزیع درآمد گره خورده است. توزیع درآمد به دو شکل در متون اقتصادی مطرح است: توزیع درآمد میان عوامل تولید و توزیع درآمد میان افراد و خانوارها. برای آشنایی با معیارهای عدالت، نخست به اختصار به معیارهای رایج عدالت در مکاتب مختلف می‌پردازیم.

نظریه توزیع درآمد در مکتب نئوکلاسیک، درباره تعیین قیمت عوامل و تقسیم درآمد ملی بین آنها (زمین، کار و سرمایه) با توجه به کارآیی تخصیص است. برای آنکه از منابع به صورت کارا استفاده شود عوامل تولید باید به گونه‌ای در تولید به کار گرفته شوند که ارزش تولید نهایی^۳ آنها در تمام موارد استفاده برابر باشد. مُزد هر عامل تولید نیز برابر با میزان تولید نهایی آن عامل است صرف نظر از اینکه این توزیع عادلانه است یا نه. این نظریه توسط مکاتب دیگر مورد نقد قرار گرفت. به عنوان نمونه به موارد زیر اشاره می‌شود:

الف - مکتب آماری نظری^۴ (گیرات، روی، چامبرناون)، این مکتب ایجاد درآمد را به کمک فرآیندهای تصادفی معینی توضیح می‌دهد. جدی‌ترین انتقاد به این مدلها آن است که تنها توضیحی ناقص از فرآیند ایجاد درآمد را به دست می‌دهد.

ب - مکتب اقتصادی - اجتماعی^۵. این مکتب به دنبال تبیین توزیع درآمد با استفاده از عوامل اقتصادی و نهادی مانند جنسیت، سن، اشتغال، آموزش و تفاوت‌های جغرافیایی است. از نظریه پردازان این مکتب می‌توان به مینسر، بولز و تیت برگن اشاره کرد.

از نگاه دیگر می‌توان نظریه‌هایی که برای تبیین توزیع درآمد میان اشخاص و خانوارها پیشنهاد شده‌اند به دو دسته فردگرا و جمع‌گرا تقسیم کرد. از میان معیارهای فردگرا، معیار مطلوبیت‌گرایی رالز و نوزیک مشهورتر است. از نظر مطلوبیت‌گرایان، چگونگی توزیع مطلوبیت میان افراد اهمیتی ندارد مهم آن است که مطلوبیت در کل افزایش یابد. عدالت از نظر آنان، ناشی از حداکثر کردن مطلوبیت است حتی اگر این حداکثرسازی به سود عده معدودی و به ضرر تعداد زیادی باشد.

۱. یدا.. دادگر (۱۳۷۸)

۲. سید عباس موسویان (۱۳۷۸)

3. Value of Marginal Product (VMP)
4. Theoretical Statistical School
5. Social Economical School

رالز موضوع عدالت را چگونگی توزیع چند گروه کالا بین آحاد جامعه می‌داند و کالاهای اولیه اجتماعی مثل فرصت، درآمد، ثروت و احترام و کالاهای اولیه طبیعی مثل سلامت، وضعیت جسمانی، هوش و قدرت خلاقیت تقسیم می‌کند. به نظر او نحوه توزیع کالاهای اولیه طبیعی به طور غیرمستقیم متأثر از نظام اجتماعی است. در نتیجه او نقطه شروع را توزیع برابر کالاهای اجتماعی می‌داند.

تفاوت نظر رالز با مطلوبیت‌گرایان در این است که تابع رفاه اجتماعی مطلوبیت‌گراها، حداکثر جمع خالص مطلوبیت جامعه را هدف قرار می‌دهد. با این هدف ممکن است وضع اقشار محروم جامعه بدتر شود، ولی مطلوبیت بعضی اقشار چنان فزونی یابد که در کل، این کاهش را جبران کند. به نظر رالز افزایش مطلوبیت کل بهبود تلقی نمی‌شود. بر مبنای اصل برابری در شرایط آغازین قرارداد اجتماعی، بهبود زمانی حاصل می‌شود که وضع محرومترین گروه‌های اجتماعی بهبود یابد. از نظر نوزیک توزیع وقتی عادلانه است که همگان نسبت به داراییهایی که بر آن اساس، مالک می‌شوند، ذی‌حق باشند. بر این اساس، اگر داراییها بر اساس ذی‌حق بودن حاصل شده باشد، هنگامی عادلانه خواهد بود که هم عدالت در تملک و هم عدالت در انتقال مراعات شده باشد و در عین حال، اگر در گذشته بی‌عدالتی وجود داشته است، اصلاح گردد.

با توجه به سخنان حضرت علی (ع) چنین استنباط می‌گردد که محرومان، مظلومان و ضعیفان در جامعه اسلامی حق دارند که به اندازه رفع نیازهای اساسی خود مانند نیاز به غذا، پوشاک، سرپناه و دارو مورد حمایت قرار گیرند. ایشان فرموده‌اند: «و در مال خدا که نزد تو فراهم شده بنگر و آن را به عیالندان و گرسنگانی که نزدیک هستند و آنانکه مستمندند و سخت نیازمندند، بده.» و در جایی می‌فرماید اگر مظلومی گرسنه باشد دانایان نباید آرام بگیرند. ترکیب گرسنه بودن و مظلوم بودن شاید دلالت کند که شخص مظلوم، ظلم را با یاری و سکوت خود پذیرفته است و در عین اینکه مظلوم است گرسنه نیز است. وقتی محرومان، حق بهره‌مندی داشته باشند، مراعات حقوق آنان نیز معیار عدالت خواهد بود.^۱

۶. شاخصهای عدالت اقتصادی

از دیدگاه اجتماعی یکی از شاخصهای مهم عدالت، مساوات در برابر قانون است. در حکومت پیامبر اکرم و امیر مومنان (ع) شواهد بسیاری از برقراری تساوی در برابر قانون وجود دارد. پیامبر (ص) در جایی، تبعیض در برابر قانون و فقدان عدالت اجتماعی را به عنوان یکی از علت‌های سقوط امتهای پیشین بیان کرده‌اند.

۱. سید عباس موسویان (۱۳۷۸)

مساوات اجتماعی آن است که همه افراد از نظر حقوق اجتماعی برابر باشند و میان انسانها از نظر نژاد و طبقات اجتماعی، اختلاف و تمایزی نباشد. مساوات در پرداخت مالیاتها، در تحصیل علم، در تصدی شغلها و انجام مسئولیتها و حاکم شدن معیارهای واقعی، از شاخصهای عدالت اجتماعی است.^۱ به طور کلی می‌توان مهمترین شاخصهای عدالت اجتماعی و عدالت اقتصادی را که با شریعت اسلامی مطابقت دارد به شرح زیر بیان کرد:

الف- شاخصهای عدالت اجتماعی مانند برابری افراد در برخورداری از امکانات عمومی و حقوق اولیه اجتماعی همچون شرافت، حیثیت اجتماعی، اطلاعات، امنیت و نظایر آن یا به عبارت دیگر برابری افراد جامعه در برخورداری از مزیتها و عدم مزیتها.

ب- شاخصهای عدالت اقتصادی:

✓ حق برخورداری برابر از ثروتهای عمومی و امکانات اولیه عمومی (که مالک خاصی ندارد) برای هر یک از افراد جامعه.

✓ محصول تولیدی هر فرد یا گروه باید به خود آن فرد یا گروه تعلق گیرد و به همین جهت افراد گروهها به اندازه ارزش افزوده‌ای که ایجاد کرده‌اند مالک می‌شوند و هیچکس حق ندارد سهم دیگری را تحت سلطه خویش درآورد. چنانکه قبلاً گفته شد اختلاف نظر در خصوص ارزش افزوده ایجاد شده به واسطه کار یا سرمایه در این تعاریف زیاد است. مارکس و پیروان او تنها ارزش افزوده ناشی از کار را حق خود فرد می‌دانند و ریکاردو و پیروان او تنها ارزش افزوده ناشی از سرمایه را حق فرد می‌دانند. از دید مبانی اسلامی نیز فرد، مالک ارزش افزوده ایجاد شده ناشی از کار و سرمایه خود است.

✓ شرط لازم برای بهره‌برداری از اموال عمومی و منابع طبیعی، استفاده منحصر به فرد و نیز استفاده عمومی از آنها است و هرگونه تضييع حقوق اموال به معنی هدر دادن فرصت بهره‌مندی از آنها برای نسل فعلی و نسلهای آتی است.

✓ توازن نسبی ثروت و درآمد مهمترین شاخص برآوردکننده و تعیین کننده عدالت اجتماعی، تحقق وضعیت «رضایت عمومی» و «عدم وجود سرزنش» در تقسیم ثروت و درآمد بین افراد جامعه است. بر این اساس چنانچه اغلب افراد جامعه از تعلق درآمد به فرد یا افرادی در جامعه ناراضی باشند آن فرد یا افراد لازم است در جریان درآمدهای خود تجدید نظر کنند.^۲

۷. راهکارها و سیاستهای تحقق عدالت اقتصادی

بحث عدالت در نوشته‌ها و آثار اندیشمندان اسلامی معاصر مطرح بوده اما روش رسیدن به جامعه‌ای عادلانه و نحوه تحقق آن در تأملات این اندیشمندان نادیده گرفته شده‌است. از این نظر، بحث

۱. محمدرضا یوسفی (۱۳۷۵)

۲. علی یوسفی نژاد (۱۳۸۰)

مطهری در مقایسه با بحث برخی از متفکران جامعیت بیشتری دارد زیرا علاوه بر بحثهای نظری عالمانه و فیلسوفانه در مورد عدالت، به ساز و کار تحقق آن نیز توجه کرده است. او در سطح اجرایی، تمهیدات گوناگونی را برای تحقق عدالت پیشنهاد کرده است که پرورش انسانهای عادل، پشتوانه قرار دادن ایمان برای قانون و عدالت، توجه به تفاوتها و پرهیز از تبعیض از آن جمله‌اند.

تمهید نهایی مطهری برای تحقق عدالت در جامعه‌ای اندام‌وار، با توجه به امکان وقوع بی‌عدالتی، توسل به مفهوم «مسابقه بقا» در مقابل «تنازع بقا» در شرایط مساوی برای همگان است. افرادی نظیر هایک^۱ و جان راولز که تقریباً می‌توان عصاره اعتقادات مربوط به بحث عدالت را در تمام غرب از افکار آنان جستجو کرد، اساساً معتقدند که «نتایج بازار همچون نتایج بازی از قبل معلوم نیست. نتیجه هر چه باشد نمی‌توان آن را عادلانه یا ناعادلانه خواند. عدالت تنها به نحوه اجرای بازی مربوط می‌شود یعنی اگر کسی قواعد بازی را رعایت نکند عمل او غیر عادلانه است و به تبع آن می‌توان نتیجه بازی را ناعادلانه خواند. این مطلب عیناً در مورد نظم بازار هم صدق می‌کند. عدالت در اینجا مربوط به نحوه رفتار شرکت کنندگان در رقابت اقتصادی و نیز بی‌طرفی داور ناظر بر قواعد بازی است. توزیع درآمد و ثروت ناشی از نظم بازار، ممکن است برای بعضی ناگوار باشد، اما این وضعیت را می‌توان عادلانه خواند چون اگر نسبت به قواعد تخلفی صورت نگرفته باشد، هیچ رفتار ناعادلانه‌ای هم این وضعیت را به وجود نیاورده است.»

همانطور که از نظریه هایک و سایر فلاسفه غربی در خصوص عدالت مشخص می‌شود، نظام اقتصاد آزاد، عدالت اجتماعی را تهدیدی جدی برای آزادیهای فردی می‌داند و عدالت را صرفاً به نحوه رفتار شرکت کنندگان در رقابت اقتصادی و همینطور بی‌طرفی دولت مشروط کرده و نه چیز دیگر. در جبهه مقابل این نوع تفکر، می‌توان به سه محور در راستای اجرای عدالت اشاره کرد: ایجاد بخش عمومی، کارکردهای اخلاقی، سیاستها و ابزارهای قانونی. از جمله کارکردهای اخلاقی، خیرخواهی، مساوات یعنی شرکت دادن دیگران در اموال خویش، ایثار، اطعام فقرا، قناعت، میانه‌روی، طلب حلال و پرهیز از حرام و اخوت و برادری می‌باشند. از جمله راههای تعدیل ثروت، اخذ درآمد و دارایی افراد از طریق انفاقهای واجب مثل خمس و زکات و انفاقهای مستحب همچون وقف، وصیت، صدقه، بخشش، کفارات و نذور است.^۲ اسلام به منظور مقابله با ایجاد طبقات هم از طریق اقدامات منفی مثل مبارزه با رباخواری، قمار، تقلب، احتکار و هم از طریق مبارزات مثبت اقدام می‌کند.

اسلام با رفع عدم تعادل، زمینه عدالت را فراهم می‌کند^۳ و برای هماهنگ‌سازی سطح عمومی معیشت و جلوگیری از تفاوت فاحش طبقاتی، حداقل سه راهکار ارائه می‌دهد: اخذ مالیاتهای ثابت

۱. Friedrich August von Hayek

۲. عسگر دیرباز (۱۳۸۰)

۳. سید جمال‌الدین موسوی (۱۳۸۰)

که به‌طور مستمر گرفته می‌شود و برای حفظ توازن عمومی صرف می‌گردد، تخصیص واحدهای ارضی برای دولت و صرف عواید آن برای رعایت توازن عمومی و همچنین برقراری و اجرای قوانین اسلامی که ماهیتاً به گونه‌ای هستند که عدالت تأمین می‌گردد.^۱ از مجموعه سیاستهای اقتصادی اسلام، سیستم تأمین اجتماعی پیشرفته است که بخشی جدانشدنی از آن است. کلیه شهروندان، بیکاران، افراد مسن و بیماران باید بدون توجه به توانایی در کسب درآمد، از سطح قابل قبولی از درآمد برخوردار باشند. چنین است که ثروت ملی عادلانه توزیع می‌شود و تبعیض و ستم از بین رفته و قسط و عدالت جانشین می‌گردد. در اینجا موضوع تکافل اجتماعی مطرح می‌گردد با این معنای لفظی که همه افراد در پی برآوردن نیازها و انجام دادن کارهای جامعه خود باشند و هر توانای قدرتمندی با به گردن گرفتن کارهای جامعه خویش برای نیکی رساندن به آن بشتابد. برقراری تکافل اجتماعی دو سطحی است. سطح اول، همان سطح متعارف و عمومی است که هر فرد مسلمان به احترام شخصیت و مقام انسان، صرف نظر از ایدئولوژی و مذهب و نژاد و سرزمین باید حافظ جان سایر انسانها نیز باشد زیرا انسانها همه از دیدگاه انسان دوستی، برابرند. در سطح دوم، هر فرد مسلمان باید علاوه بر وظایف عمومی خود نسبت به سایر انسانها کمال مسامحت و مواسات و مواخات را رعایت کند.

اسلام مهمترین معضل اقتصادی را در سوء توزیع دانسته است. یعنی ظلم اقتصادی انسان در سوء توزیع مجسم می‌شود و کفران وی نسبت به نعم الهی در سهل‌انگاری و بی‌توجهی وی در بهره‌برداری از طبیعت نهفته است.

سیستم اسلامی در هر برهه‌ای از زمان اعتقاد شدیدی در به حداکثر رساندن رفاه کل و نه صرفاً رفاه نهایی (وضع مطلوب پارتو) دارد که این خود سبب می‌گردد تا توزیع درآمد به صورت بهینه انجام شود.^۲ مهمترین تدابیری که اقتصاد را به سمت عادلانه شدن توزیع درآمدها سوق می‌دهد گسترش روابط حقوقی کار، تأکید بر دستمزد عادلانه، تحریم ربا و جلوگیری از گناه و اعمال ناشایست است.

سازمان توزیع در اسلام از دو عامل اصلی تشکیل یافته است که عبارتند از کار و احتیاج که هر کدام نقش فعالی در تولید ثروت اجتماعی دارد. منابع طبیعی اعم از منقول و غیر منقول فقط توسط کار که موجب بهره‌برداری نهایی مناسب از آن گردد، به تملک انسان در می‌آید، بدون آنکه ابزار در آن سهمی داشته باشد. یکی از روشهای توزیع در اسلام قاعده ارث است که آثار اقتصادی متعددی دارد مثل تحرک هر چه بیشتر فعالیتهای اقتصادی انسان، ایجاد تعادل و توازن در ثروت جامعه و تقسیم آن. یکی دیگر از ابزارهای توزیع در اسلام وقف است که در تمام کشورهای

۱. سید عباس موسویان (۱۳۷۸)

۲. سید جمال‌الدین موسوی (۱۳۸۰)

اسلامی یکی از بزرگترین ثروتهای اجتماعی را تشکیل می‌دهد. وجود وقف هم از تمرکز ثروت جلوگیری کرده و هم اجتماع را از مصالح و فواید فراوانی بهره‌مند می‌سازد.^۱ از جمله پیش‌نیازهای عدالت اقتصادی می‌توان به عمران و آبادی زمین، سرمایه‌گذاری، مدیریت کارآمد و برنامه‌ریزی درست، صرفه‌جویی و ریاضت اقتصادی، کار و تلاش و در نهایت انسجام اجتماعی اشاره کرد و از جمله موانع تحقق عدالت اقتصادی می‌توان به آزادی اقتصادی و اقتصاد آزاد، استثمار، انحصارگرایی، اسراف و شیوه نادرست توزیع درآمد اشاره کرد.

۸. کارایی و رفاه، پیامدهای عدالت اقتصادی

عدالت و رفاه به شکل خاصی با مقوله کارایی مواجه هستند و در مواردی به نظر می‌رسد که آنها همسو و حتی منطبق باشند اما از سویی دیگر نوعی تقابل و حتی در برخی امور، تضاد از خود بروز می‌دهند. کارایی به‌طور کلی به معنای بهترین استفاده از امکانات در دسترس توسط هر فرد، خانوار، بنگاه و یا به‌طور کلی هر سازمان، واحد یا دولت است. گاهی کارایی را فنی گویند و زمانی کارایی را اقتصادی (تخصیصی) می‌نامند. کارایی فنی زمانی برای یک سازمان وجود دارد که حداکثر تولید ممکن از منابع به کار رفته صورت گیرد. این در حالی است که نهاده‌ها و امکانات در یک وضع معقول و استاندارد به کار گرفته شوند. به عبارت دیگر در کارایی فنی اتلاف منابع وجود ندارد و تمام منابع به کار گرفته می‌شود. اما زمانی کارایی را اقتصادی می‌گویند که علاوه بر عدم اتلاف منابع، بهترین ترکیب مطلوب کالاها نیز تولید شود و مناسب‌ترین ترکیب از نهاده‌ها نیز مورد استفاده قرار گیرد.^۲ در واقع بهترین استفاده ملازم با عدم اتلاف منابع و ترکیب نهاده‌ها با کمترین هزینه ممکن برای ایجاد بهترین ترکیب کالاهاست.

از همین جا ارتباط کارایی و رفاه نیز مشخص می‌شود. در اقتصاد رفاه کلیه تخصیص‌های ممکن از منابع تولیدی برای جامعه و برقراری معیارهای انتخاب از میان این تخصیص‌ها بررسی می‌شود. جستجوی بهترین تخصیص به مقایسه‌پذیری مطلوبیت افراد هم منجر می‌شود. موقعیت بهینه اجتماعی همراه با تخصیص بهینه منابع تولیدی به صورتی است که بهبود وضع یک نفر بدون بدتر شدن وضع دیگری امکان‌پذیر نیست. در این حالت هیچ راهی جهت افزایش رفاه وجود ندارد چون تغییر وضعیت و تلاش برای بهتر کردن وضع یک نفر، وضع رفاهی فرد دیگر را کاهش می‌دهد. ملاحظه می‌شود که در اقتصاد رفاه وضعیت معینی از کارایی اقتصادی مدنظر قرار گرفته و بررسی می‌شود.

حال سؤال این است که آیا وضعیت کارایی و رفاه لزوماً وضعیتی عادلانه است؟ نظریه‌پردازان کارایی و رفاه، دغدغه‌خاطری نسبت به عدالت ندارند و لذا نمی‌توان تضمین کرد که این وضعیت

۱. همان

۲. حسن سبحانی (۱۳۸۰)

لزوماً با عدالت همراه باشد. معمولاً گفته می‌شود که نظام بازار در عین کارایی کامل، باعث بی‌عدالتی نیز هست. اگر مسئولان نگران عدالت اجتماعی باشند باید نظام پرداختهای انتقالی به وجود آورند که فوق نظام بازار قرار گرفته و آثار ناگوار آن را کمرنگ کند. اما مشکل اینجاست که هر انتقالی موجب عدم کارایی است و هر چه مبالغی که باز توزیع می‌شود بیشتر باشد عدم کارایی بیشتر خواهد بود.

شاید ریشه این امر آن باشد که به نظر برسد اختصاص بخشی از تولید به منظور بازتوزیع آن، از یک سو فعالیت اقتصادی را از شور و شوق می‌اندازد و از سوی دیگر موجب تنبلی برخی افراد می‌شود. حتی با پذیرش این مبانی، محاسبه تفاضل اثر جایگزینی و اثر درآمدی مسئله را مشخص می‌کند. یعنی افزایش نرخ مالیات بر درآمد گرچه از ارزش واقعی ساعات کار، نسبت به سایر تخصیص‌های ممکن در زمان می‌کاهد و انگیزه کار کمتر را به وجود می‌آورد اما از طرف دیگر کارگزار اقتصادی برای کاهش درآمد واقعی خود به کار بیشتر برانگیخته می‌شود. لذا مهم آن است که مالیات و توزیع مجدد در حدی باشد که اثر جایگزینی آن بیش از اثر درآمدی نباشد زیرا اگر این اتفاق بیفتد کارایی با عدالت سازگار نخواهد بود.

سازگاری عدالت با کارایی و رفاه را در کلمات امیر مومنان علی (ع) می‌توان دید:

«به درستی که در عدل گشایش است» و «نتیجه عدالت راستین، جامعه منهای فقر است» و «هیچ چیز مانند عدالت باعث آبادانی کشورها نمی‌شود» و «با عدل، برکات چندین برابر می‌شود»^۱

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

الف) فارسی

- اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۸۱)، *عدالت در نظام سیاسی اسلام*، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، چاپ اول.
- حقیقت، سید صادق (۱۳۸۱)، *مبانی حقوق بشر از دیدگاه اسلام و دیگر مکاتب*، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، چاپ اول.
- دادگر، پدا... (۱۳۷۸)، «کنکاشی مقدماتی در کارایی، رفاه و عدالت در اسلام و اقتصاد متعارف»، *نامه مفید*، فصلنامه دانشگاه مفید، شماره ۱۷.
- دیرباز، عسگر (۱۳۸۰)، «عدالت اقتصادی در کلام و سیره علی (ع)»، *نشریه حوزه و دانشگاه*، شماره ۲۷.
- سبحانی، حسن (۱۳۸۰)، *دغدغه‌ها و چشم‌اندازهای اقتصاد اسلامی*، سازمان مطالعه و تدوین علوم انسانی دانشگاهها، چاپ اول.
- عیوضلو، حسین (۱۳۸۰)، «عدالت، اصلاحات اقتصادی در ایران و توسعه پایدار»، *خلاصه مقالات دومین همایش دو سالانه اقتصاد ایران*، انتشارات پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۱.
- محسنی، علی (۱۳۷۶)، «جایگاه عدالت در فرآیند توسعه اقتصادی از منظر اسلام و غرب»، *اندیشه حوزه*، سال سوم، شماره ۳ و ۲.
- مرامی، علیرضا (۱۳۷۸)، *بررسی مقایسه‌ای مفهوم عدالت (از دیدگاه مطهری، شریعتی، سید قطب)*، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول.
- موسوی، سید جمال الدین (۱۳۸۰)، *عدالت اجتماعی در اسلام*، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، چاپ اول.
- موسویان، سید عباس (۱۳۷۸)، «عدالت اقتصادی، روح حاکم بر نظام اقتصادی اسلام»، *مجموعه مقالات اولین همایش دو سالانه اقتصاد اسلامی*، دانشگاه تربیت مدرس.
- یوسفی نژاد، علی (۱۳۸۰)، «اقتصاد اسلامی و نظر به عدالت اقتصادی»، *مجموعه مقالات دومین همایش دو سالانه اقتصاد اسلامی*، دانشگاه تربیت مدرس.
- یوسفی، محمدرضا (۱۳۷۵)، *کلیات اقتصاد اسلامی*، نشر خرم.

ب) سایتهای اینترنتی

<http://bashgah.net/>
www.cesj.org



پښتونستان ښار علمي او مطالعاتي مرستی
پرتال جامع علوم انسانی